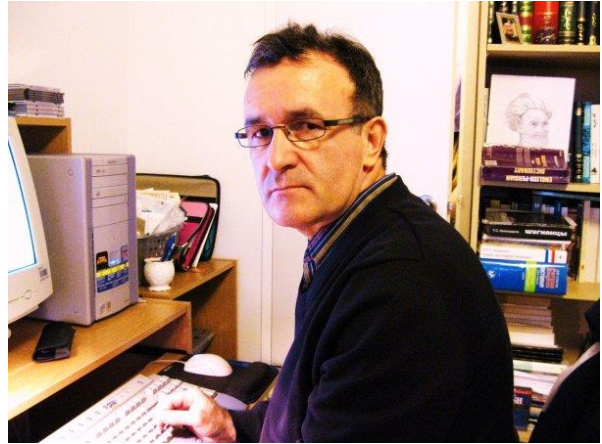


شیوه نقد کتاب بصورت علمی

نوشته: حسینی حسنیار شغنانی

۹ عقرب ۱۳۹۰



قبل از همه میخواستیم یک نگاه اجمالی داشته باشیم به تاریخ نقد و نقادی در تاریخ ادبیات. حضرت سعدی در کتاب معروفش گلستان میفرماید "متکلم را تا کسی سخت نگیرد، سخنش اصلاح نپذیرد".

اندیشه نقد ، و نقد کردن اندیشه دارای قدامت طولانی میباشد، اگر سر نخ آن گرفته شود حتی به یونان باستان میرسد. در اسلام نیز نقد دارای سابقه طولانی میباشد، سابقه نقد و تحلیل و تجزیه مسائل ریشه در قرآن دارد. در قرآن در چندین جای بگونه مختلف بر نقد توصیه شده است که چند مورد آن ازین قبیل اند: اذفع بالتی هی احسن السيئة... (با پدیده بد، به بهترین شیوه مبارزه کن- مؤمنون، 96)، در جای دیگر نقاد را به بحث کردن سالم دعوت میکند، ...و جادلهم بالتی هی احسن... (با بهترین طریق، مناظره و بحث کن- نحل، بخشی از آیه 125)، همچنان پای نقد نشستن چیزهاییکه در مورد آن معلومات نداشته باشیم منع میکند،

...ولاتقف ماليس لك به علم... (هرگز آنچه را كه علم و اطمینان به آن نداری دنبال
مكن- اسراء 36).

در دوره های بعدتر نیز نقد كتاب و آثار و ادبیات خلق شده توسط دانشمندان،
متكلمان و فلاسفه بزرگ جریان داشت. در آنزمان نقد گونه دیگری داشت، هرگاه
منقد میخواست كتابی را نقد کند، در رد آن كتاب دیگری مینوشت، و نظریات خود
را بیشتر انعكاس میداد. همه ما میدانیم كه ابوحامد غزالی (متوفای 505) یکی از
متكلمان بزرگ بود كه با فلسفه میانه خوبی نداشت، و همواره سعی میکرد تا
فلاسفه را خوار نماید. غزالی كتاب تهافت الفلاسفه اش را در رد و انتقاد بعضی
اصول فلسفی كه از نظر كلام و روح دیانت، زیانبار می دید نوشت، و ابن رشد
اندلسی (متوفای 595) كه برعكس غزالی قائل به اتصال و اتفاق نگرش فلسفی و
دینی بود، بدون اینکه غزالی را توهین و تحقیر كند، كتابی مفصلتر ی به نام
تهافت التهافت در نقد كتاب غزالی نگاشت.

نظایر این نقد و نقضها، یعنی نگارش كتاب یا رساله ای در رد كتاب یا رساله دیگر
یا انتقاد از آن، در فرهنگ پربار و دیرپای ما سابقه كهن و نمونه فراوان دارد.

فایده نقد كتاب از وظیفه آن جدا نیست و سودمندی آن بستگی دارد به حسن انجام
وظیفه. استاد حسین زرینکوب (1301 – 1378 هـ.خ) فایده و وظیفه نقد را در دو
چیز خلاصه می كند: تهذیب ذوق عامه، و تربیت فكر نویسنده كه بیشك عمده
ترین فواید نقد همین است.

البته این بدان معنی نیست که ناقدان همواره بصیر و بی غرض اند. ناقد مغرض و کم سواد و بی حوصله هم پیدا می شود، همان طور که مؤلفان و مترجمان مغرض و کم سواد و نامجو و کامجو هم وجود دارند. اما اصولاً انتقاد آرایشگر و پیرایشگر است. منتقد را میتوان به یک طبیب تشبیه کرد. همه طبیبان حاذق یا ایثارگر نیستند، طبیب سودجو و پول دوست هم هست ولی حکم بر اغلب اکثر باید کرد. و به گفته گذشتگان برای یک بی نماز نباید در مسجد را بست. حق این است و شرط این است که منتقد کتاب ناقد بصیر باشد و سره را از ناسره بازشناسد، و در هنر و حرفه خویش غرض را راه ندهد. اخلاق سالم و وجدان پاک لازمه مشاغل فرهنگی و اجتماعی است.

لحن و ادب نقد

لحن سالم نقد، طبعاً محصول سلامت نفس و نیت صدق ناقد است. غالب رجزخوانیهای نقدهای ضعیف و پرسر و صدا، ناشی از عجز نقد نویس در جمع ادله و شواهد و به خرج دادن استدلال قوی است. به قول سعدی:

دلایل قوی باید و معنوی نه رگهای گردن به حجت قوی

پرداختن به پیشینه علمی و ادبی صاحب اثر، در نقد کتاب مرسوم و مفید است که باید اجمالی و باز هم بی حب و بغض مطرح شود. ولی پرداختن به مسائل شخصی و خصوصی، هم ناشایست و نادرست و هم بی فایده است و موضع منطقی نقدنویس را تضعیف میکند.

منتقد برای تهیه انتقاد کتاب، باید کتاب را عمیقاً مطالعه کند. البته برای نوشتن معرفی کتاب میتوان کتاب را به شیوه فنی و اختصاری خواند. و مقدمه و پیشگفتار و نتیجه و معرفی پشت جلد یا خلاصه فصلها و نظایر آنها را خواند و گزارش کوتاهی – بدون ارزیابی- از آن به دست داد. ولی نقد کتاب بدون خواندن کامل کتاب- وسوسه یا خطری که ممکن است ناقدان حرفه ای و پرکار را تهدید کند- اگر هم با ترفند زدن امکان داشته باشد، به سان چراغ دروغ بی فروغ است و از مقوله گندم نمایی و جو فروشی است.

منقدین بزرگ که در اصل دانشمندان و فرهیختگان اند برین باور اند که نقد کتاب ، توصیف و ارزیابی یک کتاب است. نقد کتاب باید بر روی هدف، محتوا و نحوه نوشتن کتاب (اقتدار اثر) متمرکز باشد .

منقدین برای هر منقد پیش از آنکه خواندن کتاب را آغاز کند، چند موارد را که در زیر می آوریم توصیه مینمایند.

1- عنوان کتاب : عنوان کتاب چه چیزی را القا می کند؟

2- پیشگفتار : یک منقد با تجربه میتواند با خواندن پیشگفتار مطالب زیاد را درباه محتوای اصلی کتاب بدست آورد. پیشگفتارها همیشه اطلاعات مهمی درباره منظور نویسنده از نوشتن کتاب در اختیار می گذارند و کمک می کنند تا موفقیت احتمالی نویسنده را حدس بزنیم.

3- فهرست مطالب : وقتی منقد از خواندن پیشگفتار فارغ شد، خواه نخواه سری به فهرست مطالب میزند. فهرست مطالب از نحوه سازماندهی کتاب خبر می‌دهد و کمک می‌کند تا اهداف اصلی نویسنده را دریافت. فهرست مطالب کمک می‌کند تا دیده شود، نویسنده چطور مطالب خود را از نظر محتوایی، زمانی و غیره طبقه‌بندی و ارائه کرده است.

خواندن متن کتاب

منقد باید متن کتاب را بصورت دقیق و با حوصله مندی بخوانید، و نکات جالب آن را یادداشت کند و پاراگراف‌های مهم را برای استفاده به صورت نقل قول در مطالبی که خواهد نوشت، ثبت کند.

منقد همواره پرسشهای زیرین را نیز در ذهن داشته باشد:

Ø حوزه یا ژانر کتاب از چه قرار است؟ آیا نویسنده در آن حوزه و یا ژانر حرکت کرده است؟ (اگر ضرورت دارد آن را با حوزه‌ها و ژانرهای موجود مقایسه کرد).

Ø کتاب از چه زاویه‌ای روایت شده است؟ (راوی کتاب یا همان بحث دیدگاه اول شخص، دانای کل و غیره).

Ø سبک نویسنده چیست؟ رسمی یا غیررسمی؟ آیا سبک نویسنده مناسب مخاطب موردنظر اوست؟ اگر کتاب مورد بررسی از نوع ادبی است، نویسنده از کدام ابزارهای ادبی بهره گرفته است؟

Ø آیا مفاهیم به روشنی بیان شده‌اند؟ نظریات نویسنده چطور پرورش داده شده است؟ چه حوزه‌هایی را پوشش داده و چه حوزه‌هایی را پوشش نداده است؟ این امر کمک می‌کند تا نحوه نوشته شدن کتاب و به عبارت بهتر اقتدار اثر را ارزیابی کرد.

Ø اگر کتاب مورد بررسی از نوع داستانی است، درباره مقولاتی چون طرح داستان، شخصیت‌ها، موقعیت‌های مکانی و نحوه ارتباط آنها با مضمون اصلی یادداشت‌برداری شود. نویسنده چگونه شخصیت‌هایش را ارائه و ترسیم کرده است؟ شخصیت‌ها چطور پرورش داده شده‌اند؟ (شخصیت‌پردازی) ساختار داستان چگونه است؟

Ø اطلاعات ارائه شده چقدر دقیق و موثق است؟ اطلاعات ارائه شده را با منابع دیگر باید مقایسه و کنترل کرد.

Ø به انتهای کتاب رجوع شود، آیا نمایه کتاب درست ارائه شده است؟ منابع مورد استفاده چطور است؟ آیا نویسنده از منابع درست بهره گرفته است، از منابع اولیه استفاده کرده است یا از منابع ثانویه؟ از منابع به چه نحوه‌ی استفاده کرده و آیا برخی از نکات قابل‌حذف بوده است یا خیر.

با سایر منابع مشورت کرد

باید حتی الامکان سعی نمود اطلاعات بیشتری درباره نویسنده، کیفیت کار او، شهرت او، نفوذ او و غیره از منابع گوناگون به دست آورد. هر نوع اطلاعاتی که درباره کتاب مورد بررسی و یا پیرامون نویسنده آن به دست می‌آید، برای محرز کردن و یا عدم احراز اقتدار یک نویسنده، مفید خواهد بود. ضمناً اگر منقد از شرایط حاکم بر نوشته شدن اثر (از نظر اجتماعی، سیاسی، فردی و...) و یا از نظریات و تئوری‌های انتقادی (در حیطه ارتباطات، زبان‌شناسی و نقد ادبی) اطلاع داشته باشد، بر غنای نقدش اضافه خواهد شد. درین زمینه میتوان از استادان ادبیات و کتابداران م کمک قابل توجهی دریافت نمود.

داشتن چارچوب کار

منقد بعداً به یادداشت‌هایی که برداشته، دوباره نگاه کند. سعی کند استنباط‌ها و برداشت‌هایش را یکدست کرده و آنها را به عبارت یا عباراتی تبدیل کند که منظور و نظریه اصلی نقدش را توصیف کند. بعداً مباحثی را که به نظریه اصلی منقد کمک می‌کنند به خدمت بگیرد. این مباحث باید به طرز منطقی از نظریه اصلی او حمایت کنند.

بیش‌نویس را باید نوشت

دوباره یادداشت‌هایتایش را مرور کند. با استفاده از چارچوب پیش‌گفته، به پیش‌برود و هر جا که لازم است به یادداشت‌هایش ارجاع بدهد. نقدی که می‌نویسد باید دربردارنده موارد زیر باشد:

- اطلاعات اولیه: اطلاعات اولیه، اطلاعات دقیق مربوط به کتاب‌شناختی است؛ یعنی عنوان کامل کتاب، نویسنده، مکان انتشار، ناشر، تاریخ انتشار، چاپ اول یا دوم و... (تعداد صفحات، استاندارد بین‌المللی کتاب)
- مقدمه: باید سعی نمود توجه خواننده را با همان اولین جملات خود جلب کرد. مقدمه باید دربردارنده نظریه اصلی منقد باشد و وزن و لحن نقد را نشان دهد.
- پروراندن بحث: با استفاده از مباحثی که از نظریه اصلی منقد حمایت می‌کنند، نقد خود را پروراند. در عملکرد نویسنده از توصیف، تبیین و ارزیابی استفاده کند و نکات مهم خود را به همراه نقل قول از کتاب ارائه دهد.
- نتیجه: اگر نظریه اصلی منقد مستدل بیان شده باشد، نتیجه به طرزی طبیعی عرضه خواهد شد. می‌توان از یک اظهار نظر پایانی هم استفاده کرد و حتی دوباره نظریه اصلی را تکرار کرد. اما هرگز در این بخش بحث دیگری را باز نباید کرد.

پیش‌نویس باز نویسی شود

1- باید بین پیش‌نویس و دوباره نویسی آن کمی فاصله بیفتد. این کار باعث می‌شود تا نسبت به آنچه به‌عنوان پیش‌نویس نوشته شده، فاصله ایجاد شود.

2- پیش‌نویس به دقت خوانده شود، و به تعقیب روان کردن متن و تقویت انسجام آن باید بود.

3- از جنبه دستوری و املاي واژه‌ها، به دقت نقد را باید بررسی کرد.

4- دوباره به ارجاعات خود دقت کند. آیا ارجاعات از نظر پانوش با مشکلی مواجه نیست؟

بعد از طی همه این مراحل نقد آماده انتشار میشود. هر خواننده‌ای از خواندن یک نقد حرفه‌ای و کارشناسانه لذت خواهد برد. لذتی که منقد خوب باعث آن شده‌است.

پانوشت‌ها:

برای نوشتن این مطلب از منابع زیر استفاده شده است:

1- «نقد بازار» نوشته دکتر عبدالحسین زرین‌کوب، در یادداشتها و اندیشه‌ها. چاپ سوم (تهران، جاویدان 1356) ص 4.

2- کلیات سعدی، به اهتمام محمدعلی فروغی، چاپ سوم (تهران، امیرکبیر، 1362) ص 302.

- 3- Drewry , John. Writing Book Reviews.Boston : The Writer, 1974 (REF PN 98. B7D7 1974)
- 4- Literary Reviewing. Charlottesville: University Press of Virginia, 1987. (PN441, L 847 1987-Stauffer Library Books)
- 5- Meek, Gerry. How to Write a Book Review. UW Library Reference Service Aids 16.(N.P:n.p,n.d)
- 6- Teifelbaum, Harry . How to Write Book Reports. New York: Monarch Press.1975.
- 7- Thomson, Ashley. How to Write a Book. Canadian Library Journal.(Dec, 1991)
- 8- Walford, A.J.ed. Reviews and Reviewing: A Guide. Phoenix, Az: Dryx press. 1986.